

تحلیلی از تداوم انقلابی‌گری روحانیت در جمهوری اسلامی ایران در بستر جامعه‌شناختی سیاسی

رضا عیسی‌نیا*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۹/۱۰

چکیده

با توجه به اینکه روحانیت در حوزه علمیه ایران نسبت به نظام سیاسی پهلوی، به‌طور کلی سه رویکرد اصلاح‌گری، انقلابی‌گری و محافظه‌گری / سنتی داشته است، و از آنجا که انقلاب اسلامی، روحانیت را به صورت بارزی به دو طیف روحانیت انقلابی و روحانیت غیرانقلابی تقسیم کرده است، هدف مقاله حاضر شناساندن نقاط قوت و ضعف رویکرد انقلابی از میان رویکردهای سه‌گانه روحانیت؛ نسبت به تغییرات سیاسی، اجتماعی در دوران جمهوری اسلامی ایران بوده است. برای دستیابی به چنین هدفی پرسش‌های اصلی تحقیق این است که عکس‌العمل‌های روحانیون انقلابی نسبت به تغییرات سیاسی و اجتماعی چگونه بوده و رویکرد انقلابی در این ۳۸ سال استقرار جمهوری اسلامی ایران، چه جایگاهی را در تجدید بنای محیط اجتماعی و انسانی جدید به خود اختصاص داده است؟ مدعای نویسنده این است که رویکرد انقلابی نتوانسته است به اهداف و آرمان‌های اجتماعی و سیاسی خود دست یابد، چون از سویی «نه» قادر بوده از سایه سنگین رویکرد سنتی رهایی یابد و «نه» از رویکرد اصلاحی بهره‌مند شود و از سوی دیگر، به دلیل ضعف درونی خود نتوانسته است تغییرات مورد نظرش را در ابعاد فرهنگی، اجتماعی و سیاسی عملی کند؛ چون در تفکیک میان دو «من»، یعنی من انقلابی و من حامی نظام سیاسی دچار مشکل خواهد بود، چون آنچه «من» انقلابی روحانیت از او می‌خواهد با آنچه «من» حامی نظام سیاسی جمهوری اسلامی از او می‌خواهد می‌تواند دو چیز باشد که گاهی نیز به تعارض منجر می‌شوند و تفکیک این دو «من» کاری بسیار دشوار است. نویسنده تلاش کرده است با روش انتقادی و با رویکرد جامعه‌شناسی سیاسی به مسئله انقلابی-گری حوزویان و مسائل مرتبط با آن به عنوان پدیده‌ای اجتماعی بپردازد. دستاورد و نتایج این مقاله را می‌توان برای پژوهش‌های بنیادی و کاربردی مرتبط با روحانیت بهره برد.

کلیدواژه‌گان: روحانیت، رویکرد انقلابی (انقلابی‌گری)، رویکرد رویکرد اصلاح‌گری، تغییرات سیاسی و اجتماعی، محافظه‌گری (سنتی).

* استادیار، گروه علوم سیاسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی،

قم، ایران. رایانامه: r.eisania@isca.ac.ir

این مقاله در قالب همایش علمی «حوزه انقلابی؛ مسئولیت‌های ملی و فراملی» که از سوی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی) در اسفندماه ۱۳۹۶ برگزار خواهد شد، تهیه و تدوین شده است.

سپهر سیاست
سال چهارم
شماره چهاردهم
زمستان ۱۳۹۶

دگرگونی و تغییر یکی از بدیهی‌ترین خصوصیات جامعه است و عوامل متعددی، مانند عوامل محیطی، نژادی، عوامل جمعیتی، تکنولوژی، اقتصادی و عوامل فرهنگی (مانند ارزش‌ها و ایدئولوژی‌ها) و تضادهای اجتماعی (روشه، ۱۳۷۰، صص ۱۴۲ - ۱۱۸)، تأثیرگذار بر دگرگونی و تغییرات است با اینکه تغییرات از بدیهی‌ترین مسائل جوامع است، ولی در برابر آن عکس‌العمل‌های سه‌گانه‌ای نشان داده شده است: ۱. عده‌ای خواهان تغییر و ادامه‌دهندگان تغییرند (که در این مقاله به آن‌ها انقلابی گفته می‌شود)؛ ۲. برخی موافق حفظ وضع موجود و مخالف تغییر آن هم به هر شکلی هستند (که در این مقاله سنتی یا محافظه‌کار نامیده می‌شوند)؛ ۳. برخی نیز با تغییری موافقتند که گام‌به‌گام باشد یا در چارچوب قانون باشد، و نباید موجب براندازی نظام حاکم شود، بلکه باید باعث اصلاح آن شود (این دسته در این مقاله رفرمیسم یا اصلاح‌طلب نامیده می‌شود).

معمولاً انقلاب‌های نوعی نقطه عطف محسوب می‌شود که تاریخ جامعه را به صورت بارزی به دو قسمت پیش از انقلاب و بعد از انقلاب که کاملاً با هم متفاوت‌اند، تقسیم می‌کنند؛ زیرا انقلاب وضعیت حاضر را به‌طور کامل نفی و طرد می‌کند و در مقابل سعی در تجدید بنای محیط اجتماعی و انسانی جدید و متفاوتی دارد و این دگرگونی‌ها حاصل نمی‌شود مگر به دنبال تغییرات در وضع روانی و شعور قسمتی یا کل جامعه (روشه، ۱۳۷۰، ص ۲۹۰). بنابراین، مسئله این است، تغییری که در ایران در سال ۱۳۵۷ به رهبری روحانیت اتفاق افتاد آیا موجب شد نظم موجود، گرایش‌ها، سنت‌ها و طرز فکری که حاکم بر جامعه بود به‌طور کلی نابود شود؟ تا بتوان قائل به این شد که انقلاب و انقلابی‌گری به پایان رسیده است؛ بعد هم این حکم را صادر کرد که تداوم انقلاب و انقلابی‌گری معنایی نخواهد داشت، پس بدنبال انقلابی‌گری نباید بود و با انقلابی‌گری باید خداحافظی کرد؛ یا اینکه معتقد به این باشیم که انقلابی‌گری ادامه دارد زیرا آن سنت‌ها و طرز فکرهای حاکم بر جامعه قبل از انقلاب هنوز برجسته نشده و فقط رو به ضعف نهاده شده است. از این رو، باید در دوران جمهوری اسلامی ایران تلاش شود روحیه انقلابی و انقلابی‌گری تداوم یابد تا به‌طور اصولی آن نظم قبلی به‌همراه طرز فکرش از جامعه برجسته شود و نظمی را که انقلابیون خواهان آنند، در جامعه



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال چهارم
شماره چهاردهم
زمستان ۱۳۹۶

مستقر شود و به تعبیر پارسونز، تغییر ساختی اتفاق بیفتد، نه تغییر تعادلی، چون در تغییر تعادلی نظام جایگزین ایجاد نمی‌شود، ولی در تغییر ساختی باید نظام جایگزین ایجاد شود (روشه، ۱۳۷۰، ص ۲۲). برای دستیابی به تغییر ساختی در انقلاب ۱۳۵۷ حوزه علمیه و روحانیت نقش اساسی ایفا کرده است که به برخی نشانه‌های آن در ادامه اشاره می‌شود.

۱. در جامعه سیاسی ایران و در تحولاتش، به‌ویژه در انقلاب اسلامی ایران و تأسیس، استقرار و ثبات جمهوری اسلامی ایران، همیشه یکی از کسانی که عاملیت اصلی و اساسی را بازی کرده و نقش مثبت ایفا کرده، روحانیت بوده است؛ چون بر این باوریم که نه تنها انقلاب اسلامی بر پایه صدفه و تصادف صورت نگرفته است، بلکه علت محدثه آن علت مبقیه آن هم هست، و به تعبیر امام خمینی، بی‌تردید رمز بقای انقلاب اسلامی همان رمز پیروزی است و رمز پیروزی را ملت می‌داند و نسل‌های آینده در تاریخ خواهند خواند که دو رکن اصلی آن انگیزه الهی و مقصد عالی حکومت اسلامی و اجتماع ملت در سراسر کشور با وحدت کلمه برای همان انگیزه و مقصد است (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱، ص ۴۰۴)، که با رهبری و تلاش و مجاهدت‌های روحانیت به این مهم دست یافته‌اند. بنابراین، مسئله این است که آیا روحانیت توانسته آن مقصد عالی حکومت اسلامی و مردم‌داری را که دو مقصد اصلی انقلاب و انقلابیون در قالب روحیه انقلابی‌گری بوده است، در بستر جامعه سیاسی ایران تداوم بخشد؟

۲. انقلاب اگر به معنای عصیان جمعی، ناگهانی و شدیدی است که قصد آن، واژگونی قدرت و دگرگونی وضعیت معینی است (روشه، ۱۳۷۰، ص ۲۹۱)، و به‌عبارت دیگر، اگر انقلاب با چهار شاخصه ناگهانی و همراه با خشونت، حضور اکثر مردم، براندازی نظم حاکم و استحاله ارزش‌های موجود، و ایجاد نظم مطلوب (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۲۹) شناخته می‌شود، می‌توان گفت انقلاب ابتدایی دارد و انتهایی؛ و انتهای انقلاب تحقق نظم مطلوب است. نتیجه اینکه چون انقلاب و انقلابی‌گری سعی در زیروروکردن بنیادین نظام قبلی دارد. بنابراین، روند انقلابی و انقلابی‌گری نه تنها فقط به نارسایی‌ها و نارضایتی اکتفا نمی‌کند بلکه به دنبال نفی همه ابعاد نظام حاکم و تغییر و دگرگونی بنیادین توجه دارد، تا به نظم مطلوب دست یابد، پس انقلابی‌گری می‌تواند امروزه هم تداوم داشته باشد، چون انقلابیون به دنبال نفی هرگونه ستمگری و ستمکشی، سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، قسط و

تحلیلی از تداوم
انقلابی‌گری روحانیت
در جمهوری اسلامی ...
(۱۱۷ تا ۱۳۵)

عدل، و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی در میان امت اسلامی هستند. پس تا زمانی که این خواسته تحقق نیابد، پایان زمانی‌ای برای انقلابی‌گری متصور نخواهد بود و اصل دوم قانون اساسی نیز گواه و مؤید این تداوم انقلابی‌گری برای تحقق اهداف یادشده است (ر.ک: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل دوم).

۳. معمولاً هر انقلابی عللی دارد اگر علت اساسی براندازی نظام طاغوتی پهلوی در ایران و جایگزینی جمهوری اسلامی، نادیده‌انگاشتن دین و احکام دینی در قالب فقدان سه اصل ۱. اصل لزوم عدالت در حاکم اسلامی، ۲. اصل آزادی در رأی به حاکم و تعیین سرنوشت خود، ۳. اصل استقلال کشور اسلامی از دخالت اجانب و تسلط آنان بر مقدرات مسلمین بوده است (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۵۷). نتیجه این می‌شود که پذیرفته‌ایم نهاد دین و متولیان آن یعنی روحانیت و حوزه‌های علمیه نقش اساسی در انقلاب اسلامی داشته‌اند. بنابراین، پرسش این است که آیا متولیان دین و متخصصان دین (یعنی روحانیت) نقش‌آفرینی خود را توانسته‌اند حفظ کنند و آیا این نقش‌آفرینی بدون مختصه انقلابی‌گری قابل تداوم است؟ به نظر می‌رسد باید عملکرد روحانیت در چهار دهه جمهوری اسلامی ایران را با آن اصول و مبانی انقلابی‌گری بازشناسی و تحلیل کرد؛ چون حوزه‌های علمیه و نهاد روحانیت یکی از نهادهای مذهبی در جمهوری اسلامی ایران است که سه کارکرد (هویت‌بخش دینی، پرورش اجتماعی افراد جامعه و برقراری سازوکارهای کنترل اجتماعی) را رسماً به عهده دارد. بنابراین، این پرسش مطرح است که این نهاد به سمت محافظه‌کاری متمایل شده است تا حفظ وضع موجود کند، یا به سمت اصلاح‌گرایی یافته یا توانسته است روحیه انقلابی‌گری خود را حفظ کند تا به اهداف انقلاب و دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران دست یابد؟ یا آیا روحانیت انقلابی توانسته میان دو من «یعنی من خلاق با من اجتماعی» (توسلی، ۱۳۸۴، ص ۲۸۱) تفکیک کند؟

روحانیت در چهار دهه جمهوری اسلامی ایران؛ برگشت به عقب، یا محافظه‌کاری یا تداوم انقلابی‌گری

مردم ایران به رهبری روحانیت به دلایلی علیه نظام سیاسی پهلوی دست به تغییر اجتماعی زدند و برای مقاصد انقلاب کرده‌اند که آن مقاصد باید حفظ شود.



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال چهارم
شماره چهاردهم
زمستان ۱۳۹۶

پرسش این است که آن مقاصد چه بوده است و روحانیت چگونه آن راه را در قالب مسائل فکری، اجتماعی و سیاسی دنبال کرده است؟ با وجود سه سنت فکری در میان حوزویان، سنت انقلابی چگونه توانسته و می‌تواند مسئله تغییر فکری، اجتماعی و سیاسی را با مقاصد انقلاب تعقیب کند؟ سنت انقلابی چه چیزی را تغییر می‌دهد یا درصدد تغییر چه چیزی است؟ (آیا درصدد تغییر در عناصر ساختی است یا به دنبال تغییر در فرهنگ یا در الگوها و ارزش‌ها یا ایدئولوژی است؟) تغییر چگونه انجام می‌گیرد؟ چه راهی را طی می‌کند آیا تغییرات با مقاومت سختی از جانب دو سنت دیگر یعنی سنت محافظه‌کاری و سنت اصلاح‌گری موجود در حوزه علمیه مواجه می‌شود؟ این مقاومت در کجا و در چه شکلی اتفاق می‌افتد؟ آهنگ تغییر و تحول چگونه است؟ آیا آرام و تدریجی است، یا سریع و خشن؟ جا دارد همه این مباحث در این مقاله دنبال شود، ولی به دلایلی از جمله در نظر گرفتن حجم مقاله فقط به برخی از آن موارد پرداخته می‌شود. البته قبل از پرداختن به سیاست‌ها، تاکتیک‌ها و برنامه‌های انقلابیون در حوزه تغییرات ساختی بهتر است مراد از هر یک از سه سنت پیش‌گفته بیان شود، بنابراین:

الف) انقلابی‌گری با شاخصه‌های ۱. پای‌بندی به مبانی و ارزش‌ها اساسی انقلاب، ۲. هدف‌گیری آرمان‌های انقلاب و همت بلند برای رسیدن به آن، ۳. پای‌بندی به استقلال همه‌جانبه کشور، ۴. حساسیت در برابر دشمن، و کار و نقشه دشمن و عدم تبعیت از او (جهاد کبیر)، ۵. تقوای دینی و سیاسی تعریف می‌شود (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۳/۱۴). ایدئولوژی انقلابی و انقلابی‌گری غالباً گرایش به این دارد که خود را با گذشته‌ای کم‌وبیش اسطوره‌ای و منزله پیوند دهد، گذشته‌ای که هنوز جامعه را فساد کنونی که باعث محکومیت آن شده است، دربرنگرفته است. ایدئولوژی انقلابی می‌خواهد فردایی نو را بیافریند. بدین ترتیب، با گسستن از وضع کنونی و گذشته‌ای نزدیک، می‌خواهد خود به گذشته‌ای دور و به آینده ایده‌آل و کامل‌تر از آنچه تا کنون بشر به خود دیده است، گام نهد (روشه، ۱۳۷۰، صص ۳۰۷-۳۰۶). از این رو، انقلابی‌بودن را نه فقط برانداختن یک رژیم خلاصه می‌کند و با مبارزه و پیکار خداحافظی می‌کند، بلکه معتقد است فرهنگی که بر اساس آن زندگی خود را ساماندهی می‌کند، فرهنگی پویا و انقلابی فرهنگی است که مخالف رو آوردن به مصرف و مصرف‌گرایی، و رو آوردن به زندگی روزمره

تحلیلی از تداوم
انقلابی‌گری روحانیت
در جمهوری اسلامی ...
(۱۱۷ تا ۱۳۵)

است، پس شور انقلابی پایدار است و پایان زمانی ندارد و نخواهد داشت (حسینی بهشتی، ۱۳۸۰، ص ۵۰).

ب) محافظه‌کاری: محافظه‌کاری آیین، مرام و شعار کسانی است که به ارزش حفظ وضع موجود تا سر حد ممکن عقیده دارند. به‌طور دقیق‌تر، محافظه‌کاری گرایشی مبنی بر در نظر گرفتن یا استنباط مقام و موقعیت یا رفتار و سلوک افراد روی سنت‌ها و نهادهایی است که کارآیی، اعتبار و شایستگی خود را در بستر تجربه ایام ثابت کرده‌اند، گرایشی که خواهان تحول تدریجی و گهگاهی در نهادها و سنت‌هاست (نوذری، ۱۳۷۹، ص ۶۳۱). این رویکرد در تربیت شهروندی اولویت را به بازنمایی فرهنگ و بازنمایی نظم اجتماعی و اقتصادی موجود می‌دهد. این رویکرد به دنبال ۱. القای حس وفاداری ملی و ۲. فرمانبرداری از اقتدار و قدرت است (چناری، ۱۳۸۷، ص ۳۱). البته این تعریف و برداشت از محافظه‌کاری را برخی تعریفی و برداشت مجمل، ساده و گمراه‌کننده دانسته‌اند و برای رفع مشکل، محافظه‌کاری را به سه نوع تقسیم می‌کنند؛ و این تعریف را در نوع محافظه‌کاری سنتی قرار می‌دهند و برای نوع دوم محافظه‌کاری یعنی محافظه‌کاری بازگشتی همچنین، نوع سوم محافظه‌کاری یعنی محافظه‌کاری روشن‌اندیش تعریف دیگری بیان می‌کنند (جلایی‌پور، ۱۳۸۶، صص ۲۱-۷)، البته شایان ذکر است برخی به جای مفهوم محافظه‌کار مفهوم سنتی را در آثار خود به کار می‌برند (فتحی و اجارگاه و واحدچوکد، ۱۳۸۵، ص ۹۹)، و این نوشتار نیز این دو را مترادف در نظر گرفته است.

ج) رفرمیست یا اصلاح‌طلب، رفرمیست یا اصلاح‌طلب به کسانی گفته می‌شود که خواستار تغییر در بخش‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه از طریق تغییر در قوانین و سیاست‌ها، بدون قانون‌شکنی برای بهبود وضع جامعه‌اند. بنابراین، اصلاح‌گرایان خواستار حرکت‌های انقلابی نیستند، در عوض معتقدند مسائل و انحرافات که در جامعه وجود دارد با همان معیارها و چارچوب‌های موجود اصلاح می‌شود.

با به‌کارگیری مفاهیم سه‌گانه، دامنه بحث معلوم می‌شود که روحانیت با رویکرد انقلابی نسبت به مقاصد اساسی انقلاب چگونه مواجهه داشته و در سطح فکری فرهنگی، اجتماع و سیاست چه اقداماتی انجام داده است و در عوض دو رویکرد دیگر چه اندازه راه را برای رویکرد انقلابی باز گذاشته یا مانع ایجاد کرده‌اند؟ ابتدا



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال چهارم
شماره چهاردهم
زمستان ۱۳۹۶

قبل از بیان موانعی که دو رقیب رویکرد انقلابی‌گری برای آنان می‌توانند ایجاد کنند به مانعی که در دل خود رویکرد انقلابی وجود دارد، پرداخته می‌شود. درباره چگونگی برخورد و مواجهه روحانیت انقلابی با مسئله تغییر، و اینکه آنان پیش از انقلاب به دنبال استقرار اسلام سیاسی بودند، بنابراین، در ذیل چتر اسلام‌گرایان سیاسی به تعقیب خواسته‌هایشان پرداختند ولی بعد از استقرار جمهوری اسلامی آنان آیا به حاشیه رانده شده‌اند یا راهشان را با همان شدت و حدت ادامه داده‌اند یا با موانعی مواجه گردیده‌اند، پاسخ برخی صاحب‌نظران از جمله افرادی مانند «موریس باربیه» این است که اسلام‌گرایی (= با انقلابی‌گری) بعد از تأسیس و استقرار جمهوری اسلامی در ایران دیگر نمی‌تواند به فعالیت‌های انقلابی خود ادامه دهند و موانع آن‌ها فقط رویکرد سنتی و اصلاحی نیست، بلکه مهم‌تر از آن‌ها خود نهاد و نظام سیاسی مستقر است. چون پیش از انقلاب این اسلام و سازمان دینی است که خواهان تفوق بر سازمان سیاسی است و اسلام‌یسم به پیکار با دولت برمی‌خیزد و در پی چنگ‌اندازی و حتی ویرانی آن برمی‌آید (باربیه، ۱۳۹۲، ص ۳۳۹)؛ ولی بعد از استقرار جمهوری اسلامی آیا اسلام‌گراها و انقلابیون همان خواسته پیش از انقلاب را می‌خواهند تعقیب کنند یا شکل دیگری را مجبورند تعقیب کنند؟ چون در این زمان سازمان سیاسی تفوق بر سازمان دینی یافته است، یعنی روحانیت نمی‌تواند علیه نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران یا دولت‌های آن به غیر از دعاگویی و گوشزدکردن نکات اخلاقی کار دیگری بکنند. بنابراین، پرسش این است که روحیه انقلابی و انقلابی‌گری کجا می‌رود؟ چون انقلابی‌گری انقلابیون به دلیل انتقادی است که به دولت موجود که گرایش به انکار ارزش‌ها و مقتضیات اسلام و فروکاستن دین اسلام به ابزار ساده در خدمت دولت دارد، ظهور یابد. بنابراین، آنان دولت را به سبب غفلت از پاسداری از منافع مادی و معنوی امت مسلمان و ره‌اشدن از نفوذ دین سرزنش می‌کنند، چون آنان به دنبال دولتی بودند که از ارزش‌های اسلامی الهام بگیرد و مطابق با قانون اسلامی عمل کند.

تغییرات اجتماعی - سیاسی و سنت‌های سه‌گانه در میان روحانیت

اگر بپذیریم وزن اجتماعی - سیاسی روحانیت و حوزه علمیه انقلابی میان مردم

تحلیلی از تداوم
انقلابی‌گری روحانیت
در جمهوری اسلامی ...
(۱۱۷ تا ۱۳۵)

و جامعه ایرانی در گزاره‌هایی مانند ۱. تکیه‌گاه محرومان بودن، ۲. تحمل مرارت‌ها برای دفاع از مقدسات دینی و میهنی، ۳. زیربار سرمایه‌داران و پول‌پرستان و خان‌ها رفتن و ... خلاصه می‌شود. در نتیجه این پرسش مطرح می‌شود که آیا این وزن اجتماعی در دوران استقرار جمهوری اسلامی نیز از ناحیه روحانیون انقلابی تداوم یافته است؟ آیا تداوم انقلابی‌گری، تداوم تفکر تغییرخواهی و اعتقاد به مبارزه با عدم حفظ و پاسداشت نظم حاکمی است که الان مستقر شده است؟ برای تشریح و دستیابی به پاسخ می‌توان محورهای چهارگانه (غرق‌شدن حوزه‌های علمیه در احکام فردی و عبادی و غفلت از احکام اجتماعی، اقتصادی و سیاسی اسلام؛ حرکت استعماری در القای شعار جدایی دین از سیاست؛ روحانیت انقلابی در جمهوری اسلامی بر سر چندراهی؛ اختلاف میان روحانیان انقلابی در قالب جناح‌بندی‌های سیاسی) را دنبال کرد، ولی به دلیل جلوگیری از طولانی‌شدن مقاله، فقط دو مورد از چهار مورد بررسی خواهد شد.

از آنجا که اندیشه انقلابی و انقلابی‌گری روحانیت را فقط در به‌دست‌گرفتن قدرت و حکومت، فرض نمی‌کنیم و برای آن پایان زمانی قائل نیستیم و مانند شهید بهشتی معتقدیم خودآگاهی انقلابی باید سال‌های سال ادامه داشته باشد (بهشتی، ۱۳۸۰، ص ۵۰)، تا بتوان به نظامی توحیدی، اصیل و پویا دست یافت، پس می‌توان مدعی شد سنت انقلابی‌گری حوزوی یا همان اسلام‌گرایان و روحانیون انقلابی، در حرکت انقلابی خود فقط خواهان تغییر نظام سیاسی یا نفی استبداد (طاغوت) نبودند تا بگوییم که با تغییر نظام فاسد پهلوی، انقلابی‌گری هم به پایان رسیده است، بلکه آن‌ها خواهان اجرای احکام اسلامی در همه ابعاد زندگی فردی و جمعی یا سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، حتی نظامی و نفی سلطه و استعمار نیز بودند. آنان دولت، جامعه و سازمان‌های موجود در آن را فاسد و منحرف می‌دانستند که باید تغییرات اساسی در آن‌ها صورت گیرد و این پالایش باید به تشکیل جامعه، سازمان و دولت جدید و مطابق خواست اسلامی آنان منجر شود؛ یعنی اگر در جامعه‌ای مانند جمهوری اسلامی ایران، هنوز هم با بی‌هنجاری یا ناهنجاری‌هایی مانند بی‌عدالتی قضایی، بی‌عدالتی اقتصادی، بی‌عدالتی سیاسی و بی‌عدالتی اجتماعی مواجهیم، انقلابیون باید در این عرصه حضور جدی داشته باشند تا بتوانند احکام اسلامی را در جامعه جاری و ساری کنند.



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال چهارم
شماره چهاردهم
زمستان ۱۳۹۶

الف) بازبودن تفکر روحانیون وابسته، مقدس‌نما و تحجرگرا در میان روحانیت با ترویج تفکر جدایی دین از سیاست

در مطالب یادشده پرسش شد که سنت انقلابی چه چیزی را تغییر می‌دهد یا در صدد تغییر چه چیزی است؟ آیا تغییرات با مقاومت سختی از جانب دو سنت دیگر یعنی سنت محافظه‌کاری و سنت اصلاح‌گری موجود در میان روحانیت مواجه شده است؟ در این زمینه باید گفت یکی از تغییرات اساسی که روحانیت انقلابی به دنبال آن بوده است، تغییر تفکر جدایی دین از سیاست بود که از میان خود روحانیت عده‌ای بوده‌اند که ساز مخالفت کوک می‌کرده‌اند که این دسته با عنوان انجمن حجتیه معرفی می‌شود. همان‌طور که بیان شد روحانیت بیان می‌کنند یکی از دلایل و عللی که با نظام پهلوی به مبارزه برخاستند و برای براندازی آن تلاش کردند این است که آن نظام سیاسی، دین و احکام دینی را نادیده می‌انگاشت، پس باید نظامی سیاسی ایجاد کرد که حاکم اسلامی وصف عدالت را با خود به همراه داشته باشد و به‌عبارتی، به عینیت دین و سیاست برسد روحانیت انقلابی با این عمل تلاش داشت که خط بطلانی بر تفکر آن دسته از روحانیتی بکشد که به جدایی دین از سیاست می‌پرداختند، ولی آیا روحانیت انقلابی به خواسته خود رسیدند یا مانع بزرگتر از آن بود که به‌راحتی برداشته شود؟

در دهه ۳۰، تشکلی مذهبی با هدف مبارزه با بهائیت در تهران و سپس، دیگر شهرها پدید آمد که رهبری این تشکل مذهبی از سال ۱۳۳۲ در اختیار یک روحانی به نام حاج شیخ محمود تولانی (ذاکرزاده) مشهور به حلبی بود (جعفریان، ۱۳۸۳، ص ۳۷۰). ایشان مؤسس «انجمن حجتیه» بود؛ انجمنی که تا دو دهه پیش از پیروزی انقلاب، بر این باور بود که حوزه دینی از عرصه حکومت مستقل است. از این رو، از ابتدای تأسیس بر عدم دخالت در سیاست تأکید می‌کرد و با برچسب‌هایی مانند حجتیه‌ای، حزب قاعدین، گروه عافیت‌طلب، اسلام شاهنشاهی، اسلام عافیت‌طلب و ولایتی‌های بی‌ولایت شناخته می‌شدند. بعدها حلبی، نام انجمن حجتیه مهدویه را برای تشکیلات خود برگزید و به آن هویت رسمی و قانونی داد. با اینکه انجمن در طول حیات خود، دچار چالش‌های بسیاری شد، ولی آن‌ها بر اساس این اصل که تنها حکومت عادلانه و صالح، حکومت و دولت امام زمان است، بر اعتقاد خود پایداری کردند و انجمن را در برابر سیل انتقادات واکسینه کردند.

پیش از انقلاب اسلامی، این انجمن با هدف ازبین‌بردن نفوذ بهائیت، تنها

تحلیلی از تداوم
انقلابی‌گری روحانیت
در جمهوری اسلامی ...
(۱۱۷ تا ۱۳۵)

تشکیلات غیردولتی ای بود که در همه شهرها، حتی روستاهای کشور پایگاه تشکیلاتی داشت، به طوری که در همه ادارات و تشکیلات دولتی، افرادی ذی نفوذ و وابسته به انجمن حضور داشتند. حتی در ارتش که از سوی حاکمیت، سخت کنترل می شد، کادربندی از انجمن بودند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل آنکه بهائیت از بین رفت، انجمن نیز جهت گیری دیگری یافت و با حضور اعضای تشکیلاتی خود در ارگان های اجرایی و اعمال معیارهای اعتقادی خود، نظام سیاسی جدید را به شیوه دیگری شارژ می کرد، که این تأثیرگذاری و شارژ انجمن بر سیاست های جاری و نفوذ آنان بر ارگان ها و ادارات تا بدین جا رسید که حضرت امام خمینی نسبت به این مسئله واکنش نشان داد و مسئولان را از گسترش این نفوذ و تأثیرگذاری بر حذر داشت (مهدی، ۱۳۸۳، صص ۳۴ و ۳۵).

با اینکه انجمن حجتیه در سال ۱۳۶۲ رسماً تعطیلی خود را اعلام کرد (جعفریان، ۱۳۸۳، ص ۳۷۵)، به صورت غیررسمی فعالیت خود را ادامه می داد تا اینکه در پی سخنان صریح و افشاگرانه امام خمینی (پیام به روحانیت، ۶۷/۱۲/۳) در ارتباط با مسئله انجمن حجتیه و اشاره به آسیب هایی که از سوی این انجمن منحنط و انحرافی به اسلام وارد آمده است، مجلس شورای اسلامی با امضای ۷۰ نفر از نمایندگان، طرحی به منظور برکناری و منع انتصاب عناصر انجمن حجتیه از پست های کلیدی و حساس کشور تهیه کرد و با قید «عادی»، در دستور کار شماری از کمیسیون های مجلس شورای اسلامی قرار داد. این طرح پس از بررسی در ۱۱ کمیسیون، در قالب یک ماده و ۳ تبصره، به وسیله کمیسیون اداری و اقتصادی به عنوان کمیسیون اصلی، تقدیم مجلس شد و در دستور کار جلسه علنی مجلس، در تاریخ ۱۳۶۹/۷/۸، قرار گرفت. بر اساس این ماده واحده، انتصاب افراد وابسته به این انجمن در پست های کلیدی و حساس رسمی و غیررسمی کشور ممنوع شد و نیز دولت و بالاترین مقام قضایی و نیروهای مسلح دستور یافتند حداکثر در مدت سه ماه، به برکناری عناصر وابسته به آن از پست های کلیدی و حساس اقدام کنند (عوامل و شرایط تضعیف شورای نگهبان، ۱۳۶۹، ص ۳۸). این طرح پس از سروصداهای مخالفان و موافقان، به رأی نمایندگان مجلس گذاشته شد و رد شد. بنابراین، متأسفانه حساسیتی که امام خمینی نسبت به این حرکت داشت، به فراموشی سپرده شد؛ حساسیتی که بارها به آن هشدار داده بود. از جمله در «احتراز اعضای شورای نگهبان از افراد مقدس نما» می گوید: حواستان را جمع کنید که نکند



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال چهارم
شماره چهاردهم
زمستان ۱۳۹۶

یک مرتبه متوجه شوید که انجمن حججیه‌ای‌ها همه چیزتان را نابود کردند (عوامل و شرایط تضعیف شورای نگهبان، ۱۳۹، ص ۳۴). با اینکه امام خمینی (ره) روی این مطلب ضمن گلایه‌ها، هشدارهای جدی را به‌طور مکرر داده‌اند، متأسفانه رویکرد انقلابی نتوانست ریشه آنان را از حوزه‌های علمیه برچیند تا آنان نتوانند تفکر غلط خود یعنی تفکر جدایی دین از سیاست (دولت) را در اندیشه و باور طلاب جوان و روحانیون تبلیغ کنند و این اندیشه را که روحانیون انقلابی سال‌ها برای جانداختن آن در اذهان طلاب و مردم تلاش کرده بودند، هدر نرود؛ ولی امروزه شاهد این شعار از جانب برخی روحانیون هستیم که بر آن اصرار نیز دارند؛ و آن این است که روحانیت اگر می‌خواهد به عزت خود بازگردد، راهی ندارد مگر اینکه از سیاست فاصله بگیرد و به فعالیت ذاتی خود پردازد.

ب) روحانیت انقلابی در جمهوری اسلامی برسر چندراهی

با توجه به نکات پیش گفته، بحثی که پیش می‌آید سازوکار آن است که مشکل‌ساز است، و آن این است که آیا اگر امروز اسلام‌گرایان یا انقلابیون در مقابل دولت‌های جمهوری اسلامی ایران قرار بگیرند، آیا متهم به ایادی استکبار و وابسته به نظام‌های غرب و شرق نمی‌شوند؟ آیا در جرگه خیانتکاران یا بیگانگان قرار نمی‌گیرند؟ پس چه باید کرد که روحانی انقلابی فقط دعاگو نباشد و از سوی دیگر، خائن به وطن و اسلام، و بیگانه قلمداد نشود؟ در وهله اول، به نظر می‌رسد این سازوکار را پیشنهاد داده شود که روحانیون انقلابی باید به اصولی مانند جهاد، اجتهاد و امر به معروف و نهی از منکر چنگ بزنند تا بتوانند در پرتو روحیه انقلابی خود به اهدافی که به دنبالش بودند، گام بردارند اما با کمی تأمل در این راهکار پیشنهادی، می‌توان گفت «ولی افتاد مشکل‌ها»؛ چون اگر انقلابیون بخواهند در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به تداوم روحیه انقلابی‌گری پردازند با مشکلاتی مواجه خواهند بود و آن این است که اگر بگویند نظام سیاسی، نظامی اسلامی نیست و باید به سوی اسلامی کردن نظام حرکت کرد چنین چیزی را قانون اساسی برایشان مانعیت ایجاد می‌کند و حکایت آنان حکایت فردی می‌شود که «یکی بر شاخ بود و بُن می‌برید»، یعنی علاوه بر قانون اساسی خود فلسفه انقلابی بودن و اهدافی که برای تحقق نظام اسلامی داشتند، هدر می‌رود؛ و اگر هم اصراری بر ایجاد نظامی اسلامی نداشته باشند، از اسلام‌گرایی یا انقلابی‌گری چیزی

تحلیلی از تداوم
انقلابی‌گری روحانیت
در جمهوری اسلامی ...
(۱۱۷ تا ۱۳۵)

باقی نمی‌ماند مگر تقلیل‌گرایی و آن هم منتقد عملکرد رجال و شخصیت‌های سیاسی و حداکثر نهادهای نظام سیاسی البته اگر مجاز و مصلحت باشد که به آن‌ها انتقادی کرد و برای منتقد مشکلی آفریده نشود، نهایت آنچه از انقلابی و انقلابی‌گری باقی می‌ماند، اسم بی‌مسما است. چون نظامی سیاسی که جایگزین نظام قبلی توسط انقلابیون شده است، به‌ناچار باید قرائت واحدی از اسلام را در جمهوری اسلامی ایران دنبال و اجرایی کند. بنابراین، اسلام‌گرایان یا انقلابیون دیروز فقط می‌توانند نظام سیاسی جدید، رجال و شخصیت‌ها و نهادهای موجود را نصیحت کنند، چون اگر به‌جای نصیحت، قرائتی در مقابل قرائت حاکم داشته باشند، در مقابل نظام سیاسی قرار می‌گیرند. پس اسلام‌گرایان یا انقلابیون منحصر و منحل در نظام سیاسی، رجال و شخصیت‌های و نهادهای موجود و تنها دالان پروازی که برای آنان باقی می‌ماند فعالیت با ایفای نقش مشروعیت‌بخشی و تأیید هر یک از سه سطح یادشده است، چون روحانیت انقلابی در جمهوری اسلامی بر سر چندراهی است، چون انقلابیون در صورت عملی‌نشدن اهداف انقلاب یا باید دولت‌های مستقر را از عواقب شوم آن آگاه کنند که در این صورت معتقدند به وظیفه خود عمل نکرده‌اند، پس به همین اندازه بسنده نمی‌کنند یا اینکه دعا کنند خداوند رأی دولت‌ها یا نهادهای موجود در نظام سیاسی را برگرداند یا از راه افکار عمومی برای تحقق آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی به نظام سیاسی موجود فشار وارد کنند، که در این صورت، با مشکلی اساسی یعنی با برچسب ضدانقلاب و یار و یاور بیگانه و خائن به میهن متهم می‌شوند، چون برهم زنده‌نظم سیاسی و اجتماعی قلمداد خواهد شد. بنابراین، ناگزیر باید تسلیم اقتدار نظام سیاسی جمهوری اسلامی شوند و فقط به دعا و موعظه آن‌ها بسنده کنند و به نظر می‌رسد سه مشکل برای جامعه ایجاد کند یا موجب شود مردم بین دین و سیاست تفکیک قائل شوند، دوم، مردم از روحانیت انقلابی دور شوند و آن‌ها را در حرکت‌شان ناموفق قلمداد کنند و سوم، بین روحانیت انقلابی و نظام سیاسی هم فاصله بیفتد.

از آنجا که در جمهوری اسلامی ایران برآیند واحد از قرائت‌ها و اجتهادها یا یک قرائت و اجتهاد است که باید عملی و اجرایی شود؛ یعنی در حاکمیت دینی یک قرائت از دین بهترین قرائت و مطلوب‌ترین قرائت شمرده می‌شود که باید جاری و عملی شود، که آن یک نظر، یا در قانون اساسی تجلی می‌یابد یا در اسناد بالادستی دیگر؛ به هر حال روحانیت انقلابی با همه اجتهادات متفاوت خود یا باید



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال چهارم
شماره چهاردهم
زمستان ۱۳۹۶

در حوزه رفتاری و عملی از قرائت رسمی دین تبعیت کند که در این صورت در دسته روحانیون انقلابی حامی نظام سیاسی قرار می‌گیرند، یا در مقابل و مخالف قرائت واحد از دین قرار می‌گیرد که در این صورت روحانیت انقلابی مخالف قلمداد می‌شود. بنابراین، روحانیت انقلابی حداقل در دو دسته قرار می‌گیرد یا حامی جمهوری اسلامی ایران یا مخالف (چه مخالف ساکت و چه مخالف معترض) که در ادامه مقاله به تشریح اجمالی آن‌ها پرداخته می‌شود.

الف) روحانی انقلابی در نقش حامی نظام سیاسی موجود: تعامل روحانی انقلابی با نظام سیاسی موجود باید تعامل حمایتی باشد؛ آن هم حمایتی نه فقط در سطح حمایت لفظی از اشخاص یا برخی مناسبت‌ها و شعائر خاص، بلکه باید نیازهای فکری آن را برآورده کند و نیروهای لازم انسانی برای آن تأمین کند. مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرمایند: «... پشتیبان به معنای حقیقی کلمه، یعنی خوراک فکری او را بدهد، توجیه دینی او را بکند و تربیت و انسان‌سازی لازم را برای اداره این نظام با عظمت، حوزه علمیه انجام بدهد، حوزه، یک دستگاه تولیدی است، باید کتاب، آدم، عالم، متدین و فکر و حرف تازه تولید کند (حوزه و روحانیت، ۱۳۸۹، ص ۳۶۹). این نوع از تعامل را روحانیت انقلابی در همه مراحل حساس کشور نسبت به دولت جمهوری اسلامی ایران اعم از دوران اوایل انقلاب، جنگ‌های داخلی، دوران دفاع مقدس و دوران سازندگی و تحریم‌ها نشان داده است. در این رویکرد روحانیت و حوزه‌های علمیه سربازان این نظام‌اند و نه تنها هیچ‌گاه نمی‌توانند خود را جدا از نظام اسلامی تصور کنند، بلکه اگر این کار را انجام دهند، این را موجب ننگ می‌دانند. شاهد این مدعا سخنان مقام معظم رهبری است که می‌فرمایند: «هیچ‌کس در عالم روحانیت، اگر انصاف و خرد را میزان قرار بدهد، نمی‌تواند خودش را از نظام اسلامی جدا بگیرد. نظام اسلامی یک امکان عظیمی را در اختیار داعیان الی‌الله و مبلغان اسلام قرار داده... نظام اسلامی یک چنین خدمتی به ما معممین و روحانیون کرده. مگر می‌توانیم خودمان را کنار بگیریم؟ این که یک آقای در یک گوشه‌ای عبایش را بکشد به کول خودش، بگوید من به کارهای کشور کار ندارم، من به نظام کار ندارم، افتخار نیست؛ این ننگ است. روحانی باید از وجود یک چنین نظامی که پرچمش اسلام است، قانونش فقه اسلامی است، با همه وجود استقبال کند. مراجع تقلید کنونی، مکرر متعددی‌شان به بنده گفتند که ما تضعیف این نظام را به هر کیفیتی حرام قطعی می‌دانیم ... وجود

تحلیلی از تداوم
انقلابی‌گری روحانیت
در جمهوری اسلامی ...
(۱۱۷ تا ۱۳۵)

انتقاد و عیب در یک مجموعه مگر موجب می‌شود که انسان این همه محسنات و نقاط قوت را در آن مجموعه نبیند و ملاحظه نکند؟ ... صدتا اشکال در ما هست، اما این صدتا اشکال موجب می‌شود ما از روحانیت اعراض کنیم؟ ابداً. در مقابل این صدتا اشکال، هزار تا حُسن وجود دارد. در کسر و انکسار مصالح و مفسد است که انسان می‌تواند خط مستقیم را پیدا کند» (تبیان، ۱۳۹۱/۸/۱۰).

ب) **روحانی انقلابی مخالف نظام سیاسی موجود:** تقابل و مخالفت (اعم از مخالفت و درگیری لفظی تا انزوا و کناره‌گیری) به دلایل اعتقادی تا مسائل و مواضع سیاسی در برخورد با جریان‌های انتخاباتی و دیگر مسائل سیاسی کشور و مسائل بین‌المللی از علل و عوامل مخالفت روحانیت انقلابی یا تداوم‌دهنده روحیه انقلابی مراجع و مجتهدینی است که یا باید سکوت و انزوا پیشه کنند، یا اینکه در تقابل با نظام سیاسی قرار بگیرند و راه سومی ندارند. توضیح بیشتر در این زمینه در بخش بعدی یعنی اختلاف میان روحانیون انقلابی در قالب جناح‌بندی‌های سیاسی دنبال می‌شود.

ج) **اختلاف میان روحانیون انقلابی در قالب جناح‌بندی‌های سیاسی**

هر انقلابی دو خصیصه را با خود به همراه دارد، یکی وحدت یا حرکت رو به مرکز (یا سانتریپیت Centripete)، و دیگری حرکت گریز از مرکز یا سانتریفوژ Centrifuge؛ و دومی می‌تواند آفتی برای انقلابیون محسوب شود چون مرحله‌ای است که هر گروه انقلابی خود را محق و موظف دانسته و درصدد برآمده است تا سایر افکار و افراد و گروه‌ها را حذف یا ادغام در خود کند و به‌جای شعار «همه با هم» به «همه با من» رسیده‌اند (بازرگان، ۱۳۶۳، صص ۱۳، ۱۶ و ۶۷). در ادامه مقاله، برای نشان‌دادن این اختلافات و پیامدهایش به‌طور اجمالی، به گزارش اختلافات دو جناح جامعه روحانیت مبارز و مجمع روحانیون مبارز در برخی موارد مثلاً انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات مجلس تمرکز می‌شود.

سوگمندان باید اظهار کرد یکی از علل و عواملی که باعث عدم تداوم روحیه انقلابی‌گری شده است، اختلاف میان روحانیون انقلابی در قالب جناح‌بندی‌های سیاسی در جمهوری اسلامی ایران است. اشتغال برخی روحانیون در دسته‌بندی و منازعات غیرمنطقی و نامعقولی که خودشان دیگران را از آن پرهیز می‌داده‌اند، ولی خود در دام آن افتادند (برای اطلاع بیشتر ر.ک: سایت فارسی‌خامنه‌ای، ۱۳۹۲).



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال چهارم
شماره چهاردهم
زمستان ۱۳۹۶

جامعه روحانیت مبارز اگرچه در پنجم آبان‌ماه ۱۳۵۶ با صدور بیانیه‌ای به مناسبت درگذشت مصطفی خمینی رسماً اعلام موجودیت کرد، ولی اساسنامه آن در سال ۱۳۵۷ نگاشته شد و به تأیید امام خمینی رسید (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳، ص ۱۲۱)، و بعدها افرادی به آن افزوده یا از آن جدا شدند. در سی‌ام بهمن‌ماه ۱۳۵۷ با اینکه برخی اعضای جامعه روحانیت مبارز، مانند شهید مطهری و مهدوی کنی، با تأسیس حزب موافق نبودند و بدین علت نیز از حزب کنار کشیدند، اعلامیه تأسیس حزب جمهوری اسلامی با امضای پنج تن از اعضای جامعه روحانیت مبارز، یعنی سید محمد بهشتی، محمدجواد باهنر، سید علی خامنه‌ای، سید عبدالکریم اردبیلی، و هاشمی رفسنجانی منتشر شد. در ادامه فعالیت حزب، در انتخابات اولین دوره ریاست جمهوری بین اعضای جامعه روحانیت مبارز، یعنی آن‌هایی که با تأسیس حزب موافق نبودند بر سر کاندیداهای ریاست جمهوری اختلاف شد. بنابراین، آن‌هایی که موافق حزب بودند، جلال‌الدین فارسی را حمایت می‌کردند و آن‌هایی که با حزب مخالف بودند، از بنی‌صدر حمایت می‌کردند؛ و این حمایت موجب شد که ۵۱/۵۶ درصد از کل آرای مأخوذه که ۱۴۸۵۷۸۷۷ بود، ۱۰۷۵۳۷۵۱ رأی را به خود اختصاص دهد. این اولین مرحله انشقاق و کدورت‌های سیاسی میان اعضای جامعه روحانیت مبارز بود. البته بعدها به دلیل عکس‌العمل بنی‌صدر این دسته از روحانیت مبارز نیز دست از حمایت او برداشتند و گام‌هایی برای تجدید جامعه روحانیت مبارز برداشته شد (محتشمی‌پور، ۱۳۷۹، صص ۴۲-۴۱). در ظاهر، جامعه روحانیت تجدید سازمان کرد؛ ولی فعالیتش بعد از عزل بنی‌صدر مانند فعالیت حزب جمهوری نبود، چون این حزب جمهوری اسلامی در چند انتخاب سیاسی به پیروزی دست یافت، حزبی که از دو گروه یا جریان شامل جریان روشنفکران مذهبی (مهندسان، پزشکان و دانشجویان)، و جریان سنتی (که شامل سران جمعیت مؤتلفه، بازار و سرمایه‌داران) تشکیل می‌شد و بعد از شهادت شهید بهشتی دبیر کل حزب، این جریان راست سنتی بود که ارکان حزب را تسخیر می‌کرد و جامعه هم در سایه آن حرکت می‌کرد. از آن به بعد، جامعه روحانیت مبارز به دو دسته راست و چپ تقسیم می‌شود و به رقابت با هم می‌پردازند. برای مثال، «در آستانه انتخابات دوره دوم مجلس برای دستیابی به اکثریت مجلس شورای اسلامی بود که راستی‌ها از طریق حزب جمهوری اسلامی، جامعه روحانیت مبارز، جامعه مدرسین قم و گروه‌های صنفی - اقماری آن فعال شده و گام‌های

تحلیلی از تداوم
انقلابی‌گری روحانیت
در جمهوری اسلامی ...
(۱۱۷ تا ۱۳۵)

مؤثری را برداشتند (محتشمی پور، ۱۳۷۹، صص ۲۹-۲۸). اینجا است که اختلاف میان اعضای جامعه روحانیت یکی یکی جمع شده و در سال ۱۳۶۴ به اوج خود می‌رسد. این بار به جای درگیری روی انتخاب بنی‌صدر اختلاف و درگیری بر روی مهندس موسوی بود که با دور دوم ریاست جمهوری آیه‌الله خامنه‌ای مقارن بود. در این زمان بود که عده‌ای از اعضای جامعه روحانیت از مهندس موسوی نخست‌وزیر حمایت می‌کردند و عده‌ای با وی مخالف بودند. اگرچه در این میان امام خمینی با تغییر میرحسین موسوی از پست نخست‌وزیری موافق نبود (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۹، ص ۳۹۳)، ۹۹ نفر از نمایندگان مجلس به وی رأی نمی‌دهند و روزبه‌روز اختلاف بین آنان بیشتر می‌شود تا اینکه امام خمینی برای حل اختلاف پادرمیانی می‌کند و در تأیید دولت مهندس موسوی پیامی را توسط آیت‌الله توسلی به مجلس می‌فرستند (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۹، ص ۳۹۴).

نتیجه‌گیری

از آنجا که در این مقاله انقلاب را به معنای تغییر بنیادین در همه سطوح اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی فرض شد، انقلابی کسی است که به دنبال تحقق تغییر بنیادین در جامعه باشد. پس اگر جامعه‌ای فقط از حیث کارگزاران تغییر یابد، نه تنها در آن جامعه انقلابی رخ نداده است، بلکه یک حرکت فرمالیستی و تغییر صوری اتفاق افتاده است. انقلابی بودن حوزویان (روحانیون) این است که در سه سطح با رویکرد انقلابی به مسائل نگاه کند و به حل مشکلات آن پردازد. یعنی اگر اقتصاد، سیاست و فرهنگ ایران در دوران پهلوی اقتصاد، سیاست و فرهنگی وابسته بود، یا اگر در ایران شاهد فساد قدرت سیاسی، فاصله گرفتن حاکمان از اسلام، گرایش مسئولان به رفاه طلبی، سخت‌گیری و فشار اقتصادی بر مردم، مصرف‌گرایی، بی‌کفایتی هیئت حاکمه، تجمل‌پرستی و اسراف، فساد اداری، از خودبیگانگی و خودباختگی در برابر دیگران بودیم، امروزه باید تلاش کنند تا به‌طور کامل همه اضلاع سه‌گانه مثلث انقلابی (یعنی اقتصاد، سیاست و فرهنگ) به تحقق و عینیت بپیوندند. به نظر می‌رسد روحانیت انقلابی در دوران جمهوری اسلامی ایران از چند سو دچار چالش اساسی است، از سویی، اگر به انقلابی‌گری تداوم دهد با نظام سیاسی چالش می‌یابد، اگر خواسته‌های انقلابی‌گری خود را اتمام یافته ببیند، چنین چیزی واقعیت نخواهد داشت. از این رو، می‌توان گفت



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال چهارم
شماره چهاردهم
زمستان ۱۳۹۶

روحانیت انقلابی در میان دو «من» من انقلابی و من حامی نظام سیاسی دچار عدم توازن شده است، چون آنچه «من» انقلابی از او می‌خواهد با آن چیزی که «من» نظام سیاسی جمهوری اسلامی از او می‌خواهد متفاوت است، بنابراین، در میان این دو «من» گرفتار شده است، زیرا میان چیزی که مردم از روحانیت می‌خواهند به عنوان من فاعلی یا من انقلابی، با من مفعولی یا چیزی که روحانیت را وابسته به نظام سیاسی می‌خواهد، بطور همزمان ظهور و تحقق نمی‌یابند و این عدم همزمانی موجب تنش و چالش می‌شود، زیرا روحانیت اموری (اعم از مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی) خواسته می‌شود که باید انجام دهند. وقتی روحانیت انقلابی با چنین چالشی مواجه شد ممکن است به نهادی تقلیل یابد که فقط از وضعیت موجود محافظت کند و روحیه انقلابی را به حاشیه ببرد و با احتیاط می‌توان گفت که امروزه این تفکر محافظت‌گرایی در میان روحانیت شیوع پیدا کرده است.

منابع

- باربیه، موریس (۱۳۹۲). *مدرنیته سیاسی*. ترجمه عبدالوهاب احمدی، چاپ سوم، تهران: نشر آگه.
- بازرگان، مهدی (۱۳۶۳). *انقلاب ایران در دو حرکت*. تهران: بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان.
- بیانات رهبری در ۱۴/۳/۱۳۹۵، شاخص‌های انقلابی‌گری. *فصل‌نامه فرهنگی بصیرتی تبلیغی پیام*، شماره ۱۲۰.
- تبیان، با عنوان توصیه‌های مهم رهبر انقلاب به طلاب، برگرفته از <http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=> در تاریخ ۱۳۹۱/۸/۱۰.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۴). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*. چاپ یازدهم، تهران: سمت.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۳). *جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی سیاسی ایران*. تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- جلالی‌پور، حمیدرضا (۱۳۸۶). *بنیادهای نظری و تجربی اصلاح‌طلبی در مقایسه با محافظه‌کاری و انقلابی‌گری (با تأکید بر دوران اصلاحات ۱۳۷۶-۱۳۸۴)*. *مجله آیین*، شماره ۷.
- چناری، مهین (۱۳۸۷). *روش سقراطی به منزله راهبردی برای تربیت شهروندی*. *فصل‌نامه نوآوری‌های آموزشی*، سال ۷، شماره ۲۷.
- حسینی بهشتی، سید محمد (۱۳۸۰). *مبانی نظری قانون اساسی*. چاپ سوم، تهران: بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید آیت‌الله بهشتی.
- حوزه و روحانیت در نگاه رهبری (۱۳۸۹). قم: مدرسه عالی دارالشفاء، دبیرخانه شورای عالی حوزه‌های علمیه.
- روشه، گی (۱۳۷۰). *تغییرات اجتماعی*. ترجمه منصور وثوقی، تهران: نشر نی.
- سایت فارسی خامنه‌ای (۱۳۹۲). *اختلاف سیاسی / جناح‌های سیاسی / اختلافات سیاسی / اختلاف بین جناح‌ها*، بیانات مقام معظم رهبری؛ سال ۱۳۸۵، برگرفته از <http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1725> در تاریخ ۱۳۹۲/۳/۱۷.
- علی‌بابایی، غلامرضا (۱۳۶۹). *فرهنگ علوم سیاسی*. جلد دوم، تهران: ویس.
- عوامل و شرایط تضعیف شورای نگهبان (۱۳۶۹). *مجله بیان*، شماره‌های ۵ و ۶، مهر و آبان ۱۳۶۹.



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال چهارم
شماره چهاردهم
زمستان ۱۳۹۶

- فتحی و اجارگاه، کوروش، واحدچوکده، سکینه (۱۳۸۵). شناسایی آسیب‌های تربیت شهروندی در برنامه درسی پنهان: نظام ... فصل‌نامه نوآوری‌های آموزشی، سال ۵، شماره ۱۷، سال پنجم.
- محتشمی‌پور، سید علی‌اکبر (۱۳۷۹). چندصدایی در جامعه روحانیت. تهران: خانه اندیشه جوان.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۸). پیرامون انقلاب اسلامی. تهران: انتشارات صدرا.
- مهدی، علی (۱۳۸۳). تجربه ایران اولین مؤمنان سکولار. تهران: جامعه نو.
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- نوذری، حسینعلی (۱۳۷۹). پست‌مدرنیته و پست‌مدرنیسم: تعاریف، نظریه‌ها و کاربردها. تهران: نقش جهان
- هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۳). کارنامه خاطرات سال‌های ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸: انقلاب و پیروزی/هاشمی رفسنجانی. زیر نظر محسن هاشمی، به اهتمام عباس بشیری، تهران: دفتر نشر معارف انقلاب.